



The Pattern of Engagement with the International System in Shi'i Political Jurisprudence: An Examination of the Thought of the Two Leaders of the Islamic Revolution and Its Manifestation in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran*

Ali Farsi Madan 

Assistant Professor, Department of Law and Comparative Jurisprudence, Faculty of Islamic Denominations, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. a.farsi@urd.ac.ir

Abstract

Interaction with the international system, much of which is perceived as being dominated by illegitimate and hegemonic powers, constitutes one of the principal theoretical and practical challenges in Shi'i political jurisprudence and for the diplomatic institutions of the Islamic Republic of Iran. The central challenge lies in translating the theological and jurisprudential principles rejecting illegitimate rule into a coherent model of active, systematic, and diplomatic engagement within the international arena. This study seeks to examine the logic governing Iran's political conduct in confronting the global order by addressing the following research question: What is the pattern of engagement with the international system in Twelver Shi'i political jurisprudence, with particular reference to the thought and practice of Imam Khomeini and

* Farsi Madan, A. (2026). The pattern of engagement with the international system in Shi'i political jurisprudence: An examination of the thought of the Two Leaders of the Islamic Revolution and its manifestation in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran. *Fiqh and Politics*, 6(1), pp. 231–260.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75307.1132>

□ **Article Type:** Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

□ **Received:** 2024/08/14 • **Revised:** 2024/09/27 • **Accepted:** 2025/01/23 • **Published online:** 2025/03/29

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



<http://ijp.isca.ac.ir>

۲۳۱
فقه
الکوی تعامل با نظام بین‌الملل در فقه سیاسی شیعه: واکاوی اندیشه امامین انقلاب و...

the martyred Leader, and how has this pattern been reflected in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran? The findings indicate that the model of engagement in Shi'i political jurisprudence rests upon two fundamental pillars: revolutionary rationality and resistance-oriented engagement. On the one hand, this model rejects submission to domination by relying on enduring jurisprudential principles, including the Principle of the Negation of Domination (*Qā'idat Nafy al-Sabīl*), the obligation to support the oppressed—particularly with regard to the Palestinian cause—and the preservation of Islamic dignity. On the other hand, by drawing upon dynamic juristic mechanisms such as public interest, secondary rulings, and governmental rulings, it advocates a prudent and strategic form of engagement aimed at safeguarding the nation's higher interests and legitimate rights, including its peaceful nuclear program.

The study further demonstrates that, within the doctrine of Iran's foreign policy, the international system is understood not as a rigid and immutable structure but as a dynamic and evolving arena that offers opportunities for civilizational engagement and transformation. Within this framework, diplomacy is regarded as an effective instrument for realizing the higher ideals of Islam while responding pragmatically to the realities of contemporary international relations.

This research adopts a descriptive-analytical approach. Data were collected through documentary analysis, drawing primarily upon constitutional and strategic policy documents, as well as the theoretical and practical legacy of the leaders of the Islamic Revolution.

Keywords

Shi'i political jurisprudence; international system; Imam Khomeini; the martyred Leader; Iran's foreign policy.



نموذج التفاعل مع النظام الدولي في الفقه السياسي الشيعي؛ دراسة تحليلية لفكر إمامي الثورة وتجلياته في السياسة الخارجية للجمهورية الإسلامية الإيرانية*

علي فارسي مدان ^{id}

أستاذ مساعد في قسم الحقوق والفقه المقارن، كلية المذاهب الإسلامية، جامعة الأديان والمذاهب، قم، إيران.
a.farsi@urd.ac.ir

الملخص

يُعدّ التفاعل مع النظام الدولي، الذي يخضع جانب كبير منه لهيمنة القوى غير المشروعة والاستكبارية، أحد التحديات النظرية والعملية الأساسية في الفقه السياسي الشيعي ولدى القائمين على الدبلوماسية في الجمهورية الإسلامية الإيرانية. وتتمثل الإشكالية الرئيسة في الكيفية التي يمكن من خلالها الانتقال من المبادئ الكلامية والفقهية القائمة على نفي شرعية الحكومة الجائرة إلى نموذج من الفاعلية النشطة والمنهجية والدبلوماسية في الساحة العالمية. وتهدف هذه الدراسة إلى تحليل المنطق الحاكم للسلوكيات السياسية الإيرانية في مواجهة النظام العالمي، من خلال الإجابة عن السؤال الرئيس الآتي: ما نموذج التفاعل مع النظام الدولي في الفقه السياسي الإمامي، مع التركيز على آراء وسيرة الإمام الخميني رحمته الله والقائد الشهيد (رضوان الله تعالى عليه)، وكيف تجلّى هذا النموذج في السياسة الخارجية الإيرانية؟.

* الاستشهاد بهذه المقالة: فارسي مدان، علي. (٢٠٢٥). نموذج التفاعل مع النظام الدولي في الفقه السياسي الشيعي؛ دراسة تحليلية لفكر إمامي الثورة وتجلياته في السياسة الخارجية للجمهورية الإسلامية الإيرانية. الفقه و السياسة، ٦(٨)، صص ٢٦٠-٢٣١.

<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75307.1132>

□ نوع المقال: بحثية؛ الناشر: المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران

□ تاريخ الإستلام: ٢٠٢٤/٠٨/١٤ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٤/٠٩/٢٧ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠١/٢٣ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/٠٣/٢٩

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



<http://ijp.isca.ac.ir>

وتُظهر نتائج الدراسة أنّ نموذج التفاعل في الفقه السياسيّ الشيعيّ يقوم على ركيزتين أساسيتين هما: «العقلانيّة الثوريّة» و«التفاعل القائم على المقاومة». فهذا النموذج ينفي الخضوع للهيمنة من جهة، بالاستناد إلى مبادئ فقهية ثابتة، مثل قاعدة نفي السبيل، ووجوب دعم المستضعفين (مع مركزيّة القضية الفلسطينية)، وصيانة العزّة الإسلاميّة؛ ومن جهة أخرى، يتبنّى تعاملاً ذكياً لحماية المصالح العليا والحقوق المشروعة للبلاد (مثل التقنيّة النوويّة) وذلك بالاستفادة من الأدوات الاجتهاديّة الديناميكيّة كالمصلحة، والأحكام الثانويّة والحكوميّة. وتدلّ نتائج البحث على أنّ النظام الدوليّ، في إطار عقيدة السياسة الخارجيّة الإيرانيّة، لا يُنظر إليه بوصفه بنية جامدة وحتميّة، وإنّما باعتباره ساحة متحوّلة وقابلة للتغيير تتيح إمكانيات للمساهمة الحضاريّة؛ حيث تُعدّ الدبلوماسية أداةً فاعلة لتحقيق التطلّعات الساميّة للدين في سياق الوقائع الموضوعيّة للعالم. واعتمدت الدراسة المنهج الوصفيّ التحليليّ، واستندت في جمع بياناتها إلى الوثائق المرجعيّة العليا، وإلى السيرة النظرية والعملية لقادة الثورة الإسلاميّة.

الكلمات المفتاحية

الفقه السياسيّ الشيعيّ، النظام الدوليّ، الإمام الخميني عليه السلام، القائد الشهيد (قدّس سرّه)، السياسة الخارجيّة الإيرانيّة.



الگوی تعامل با نظام بین الملل در فقه سیاسی شیعه؛ واکاوی اندیشه امامین انقلاب و تجلی آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*

علی فارسی مدان

استادیار گروه حقوق و فقه مقارن، دانشکده مذاهب اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.
a.farsi@urd.ac.ir

چکیده

تعامل با نظام بین الملل که بخش عمده آن تحت سیطره قدرت های غیرمشروع و استکباری قرار دارد، یکی از چالش های بنیادین نظری و عملی در فقه سیاسی شیعه و کارگزاران دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران به شمار می رود. چالش اصلی، چگونگی گذار از اصول کلامی و فقهی نفی حکومت جائر به یک الگوی کنشگری فعال، نظام مند و دیپلماتیک در عرصه جهانی است. این پژوهش با هدف واکاوی منطق حاکم بر رفتارهای سیاسی ایران در رویارویی با نظم جهانی، در پی پاسخ به این پرسش اصلی است که الگوی تعامل با نظام بین الملل در فقه سیاسی امامیه با تأکید بر آراء و سیره امام خمینی علیه السلام و رهبر شهید علیه السلام چیست و این الگو چگونه در سیاست خارجی ایران متجلی شده است؟ یافته های پژوهش نشان می دهد که الگوی تعامل در فقه سیاسی شیعه، بر دو پایه «عقلانیت انقلابی» و «تعامل مقاومت محور» استوار است. این الگو از یک سو با تکیه بر اصول ثابت فقهی مانند قاعده نفی سبیل، لزوم حمایت از مستضعفان (با محوریت مسئله فلسطین) و حفظ عزت اسلامی به نفی سلطه پذیری می پردازد؛ و از سوی دیگر، با بهره گیری از ابزارهای

* **استناد به این مقاله:** فارسی مدان، علی. (۱۴۰۴). الگوی تعامل با نظام بین الملل در فقه سیاسی شیعه؛ واکاوی اندیشه امامین انقلاب و تجلی آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فقه و سیاست، ۱۶(۱)، صص ۲۳۱-۲۶۰.
<https://doi.org/10.22081/ijp.2026.75307.1132>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۴ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۷/۰۶ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۰۴ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۱/۰۹

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



پویای اجتهادی همچون مصلحت، احکام ثانویه و حکومتی، تعاملی هوشمندانه را برای صیانت از مصالح عالیه و حقوق مشروع کشور (نظیر دانش هسته‌ای) پیش می‌برد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در دکترین سیاست خارجی ایران، نظام بین‌الملل نه به‌مثابه ساختاری صلب و گریزناپذیر، بلکه به‌عنوان عرصه‌ای گذرا و قابل تحول برای نقش‌آفرینی تمدنی نگریسته می‌شود که در آن، دیپلماسی ابزاری کارآمد برای تحقق آرمان‌های متعالی دین در بستر واقعیت‌های عینی جهان است. روش این تحقیق، توصیفی - تحلیلی بوده و گردآوری داده‌ها با تکیه بر اسناد بالادستی و سیره نظری و عملی رهبران انقلاب اسلامی انجام گرفته است.

کلیدواژه‌ها

فقه سیاسی شیعه، نظام بین‌الملل، امام خمینی رحمته‌الله، رهبر شهید رحمته‌الله، سیاست خارجی ایران.

۱. مقدمه

۱-۱. بیان مسئله

در جهان معاصر، نسبت میان دین و عرصه بین‌الملل از جمله مباحث مهم و مناقشه‌برانگیز در حوزه علوم سیاسی و مطالعات اسلامی به‌شمار می‌رود. فقه سیاسی شیعه، به‌مثابه دانشی نظام‌ساز، همواره با این پرسش بنیادین مواجه بوده است که چگونه می‌توان میان اصول ثابت اعتقادی و فقهی، همچون نفی سلطه و عدم مشروعیت حاکمان جائز، و واقعیت‌های متغیر و پیچیده نظام بین‌الملل، توازن و سازگاری راهبردی برقرار کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی، این مسئله از سطح مباحث نظری فراتر رفت و به یکی از مسائل عینی حکمرانی تبدیل شد؛ مسئله‌ای که نمود عملی آن را می‌توان در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مشاهده کرد.

مسئله اصلی این پژوهش، تبیین الگوی تعامل با نظام بین‌الملل در چارچوب فقه سیاسی شیعه با تأکید بر اندیشه‌های امام خمینی علیه السلام و رهبر شهید علیه السلام و بازتاب آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. هرچند فقه کلاسیک با تقسیم‌بندی‌هایی مانند دارالاسلام و دارالکفر چارچوبی ابتدایی برای تنظیم روابط خارجی ارائه می‌کرد، اما تحولات جهان جدید و ظهور پدیده‌هایی چون سازمان‌های بین‌المللی، رژیم‌های حقوقی فراملی و نظم‌های متحول جهانی، پرسش از چگونگی تنظیم روابط با قدرت‌های غیرمشروع و ساختارهای سلطه را به مسئله‌ای پیچیده‌تر و نیازمند بازخوانی اجتهادی تبدیل کرده است.

این مقاله درصدد است به این پرسش پاسخ دهد که فقه سیاسی شیعه، در اندیشه امامین انقلاب، چه الگویی برای تعامل با نظام بین‌الملل ارائه می‌دهد و این الگو چگونه در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران متجلی شده است. فرض بر آن است که در این چارچوب، تعامل با جهان نه به معنای پذیرش هژمونی قدرت‌های سلطه‌گر، بلکه به منزله ابزاری برای حفظ استقلال، دفاع از مظلومان و تأمین مصالح عالیه اسلامی و ملی فهم می‌شود.

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی - تحلیلی و مبتنی بر مطالعه کتابخانه‌ای است. داده‌ها از طریق تحلیل منابع فقه سیاسی، بیانات و آثار امام خمینی (ره) و رهبر شهید (ره)، و نیز اسناد و شواهد مرتبط با سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران گردآوری شده و سپس در چارچوبی تحلیلی، نسبت میان مبانی فقهی و الزامات ساختاری نظام بین‌الملل بررسی شده است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

مسئله «تعامل با حاکمان جور در فقه امامیه و بازتاب آن در رفتار سیاسی جمهوری اسلامی ایران»، موضوعی دوجبه‌ای است که ادبیات پژوهشی پیرامون آن را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد. در دسته نخست، پژوهشگران بر ریشه‌های فقهی و سیره تاریخی تمرکز یافته‌اند؛ محمد ملک‌زاده در کتاب «سیره سیاسی معصومان (علیهم‌السلام) در عصر حاکمان جور»، رویکردهای گوناگون ائمه اطهار را در رویارویی با قدرت‌های زمانه واکاوی کرده است. در همین راستا، علی فارسی‌مدان در مقاله «بازشناخت فقهی تعامل اصحاب ائمه (علیهم‌السلام) با حاکم جور»، محدودیت‌ها و ضوابط کنشگری اصحاب را بررسی نموده است. همچنین علی فارسی‌مدان در مقاله «الگوی فقهی-سیاسی تعامل با حاکمان جور؛ از مبانی تکلیفی تا ضوابط مصلحت‌محور»، به تبیین نسبت میان «فقه» و «قدرت غیرمشروع» در اندیشه سیاسی شیعه پدید پرداخته است. از منظر قواعد ثانویه، جعفر یوسفی در مقاله «بررسی فقهی جواز همکاری با حکومت‌های جور در موارد وجود مصلحت» نقش مفاهیمی همچون تقیه، اضطرار و مصلحت را در تبیین ضرورت‌های تعامل تبیین نموده است.

در دسته دوم، پژوهش‌ها به ساحت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل معاصر انتقال یافته است. هادی شجاعی (۱۳۸۹) در مقاله «اهداف و راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، سیمبر در مقاله «تحلیل کارکردهای مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران» بر اصول ایدئولوژیک و آرمان استکبارستیزی تأکید ورزیده‌اند. در حوزه تعاملات کلان و چالش با قدرت‌های جهانی، سام دلیری و

همکاران در مقاله «تحلیل رویکردهای آمریکا در چهاردهم مقابله و چالش با جمهوری اسلامی ایران» به تحلیل رویکردهای آمریکا در مقابل با جمهوری اسلامی ایران پرداخته و تحلیل کرده است.

وجه تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به سایر پژوهش‌ها آن است که پژوهش حاضر میان نظریه فقهی «تعامل با حاکم جور» و نظریات روابط بین‌الملل پیوند برقرار کرده و قدرت‌های سلطه‌گر جهانی را به مثابه مصادیق مدرن «جائر» بازتعریف می‌کند؛ همچنین این مقاله با تمرکز بر «عقلانیت انقلابی» در اندیشه امام خمینی علیه السلام و رهبر شهید، یک الگوی منسجم برای تعامل دیپلماتیک در عین حفظ ماهیت استکبارستیزی ارائه می‌دهد. و آخر آنکه، با تحلیل موردی «مسئله فلسطین» و «حق هسته‌ای»، نشان می‌دهد که چگونه ضوابط فقهی (مانند مصلحت و عناوین ثانویه) از ساحت انتزاع خارج شده و به تصمیمات راهبردی در سیاست خارجی بدل شده‌اند.

۲. تعامل با دولت‌ها و روابط بین‌الملل

با توجه به مبانی فقه سیاسی امامیه و جایگاه ولایت فقیه، جمهوری اسلامی ایران نه صرفاً یک دولت معمولی، بلکه حکومتی است که مشروعیت خود را از نیابت فقیه جامع‌الشرایط و احکام الهی می‌گیرد. این مشروعیت داخلی، تضمین‌کننده استمرار عدالت و هدایت جامعه در چارچوب دین است و نشان می‌دهد که ساختار حکومت اسلامی، برخلاف حکومت‌های جائر، بر اصول الهی و اخلاقی استوار است. از این منظر، همان‌گونه که ولایت فقیه محور مشروعیت و قانونمندی داخلی است، اصول و احکام اسلامی نیز مبنای تعامل ایران با نظام بین‌الملل و دیگر دولت‌ها را شکل می‌دهد.

۲-۱. نظام بین‌الملل در اندیشه امام خمینی علیه السلام

۲-۱-۱. ساختار قدرت و روابط نابرابر بین‌الملل

امام خمینی علیه السلام معتقد بودند که توزیع قدرت در نظام بین‌الملل نابرابر است و

کشورهای ضعیف تحت سلطه قدرت‌های بزرگ قرار دارند؛ این نابرابری، زمینه‌ساز اعمال سلطه، وابستگی سیاسی و فساد جهانی شده است. ایشان می‌فرمایند: «قدرت در دست ظالم، دنیا را به فساد می‌کشانند؛ چنانچه قدرت در دست زورمندانی باشد که عاقل نیستند، مذهب نیستند، مصیبت بار می‌آورد» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۸، ص ۲۰۶). به نظر امام علیه السلام، قدرت باید برای حفظ جهات انسانیت و اسلامیت به کار رود و جهت‌گیری آن نباید معطوف به ظلم و افزون‌طلبی خودخواهانه باشد (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۲۶۸). هدف قدرت سیاسی، از دیدگاه ایشان، باید تأمین عدالت، نظم، تهذیب و سعادت انسان‌ها باشد، نه تسلط بر دیگران یا تأمین منافع شخصی (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۱۴۸؛ ج ۱۶، ص ۲۲۹؛ ج ۱۸، ص ۲۳۸).

۲-۱-۲. رقابت ابرقدرت‌ها و آسیب کشورهای ضعیف

امام خمینی علیه السلام سیستم رقابتی میان ابرقدرت‌ها را به ضرر کشورهای مستضعف دانسته و معتقد بودند که هدف رقابت این قدرت‌ها، غارت منابع کشورهای ضعیف است (دهشیری، ۱۳۷۹، ۲۶۸). ایشان اشاره می‌کنند که ابرقدرت‌ها ممکن است با یکدیگر تبانی کنند تا سلطه خود را تثبیت کنند و کشورهای ضعیف را وابسته نگه دارند (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۲، ص ۲۲۰).

۳-۱-۲. سازمان‌های بین‌المللی

امام خمینی علیه السلام، سازمان‌های بین‌المللی را عمدتاً ابزاری در دست ابرقدرت‌ها می‌دانستند و حق و توی ابرقدرت‌ها را مردود می‌شمردند: «اصل و اساس این را خود این‌ها درست کرده‌اند... اگر ساخته خود این‌ها نبود، به چه مناسبت باید یک کشوری یا چند کشوری قلدر حق و تو داشته باشند» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ص ۵۲۰).

۴-۱-۲. جایگاه امت اسلامی در نظام بین‌الملل

امام خمینی علیه السلام، وضعیت کشورهای اسلامی در جهان امروز را بسیار شگفت‌آور

می دانستند، زیرا این کشورها با وجود داشتن مهمترین منابع طبیعی جهان، به ویژه نفت، قادر به بهره‌مندی مناسب از این منابع نیستند و در واقع کشورهای استعمارگر هستند که ثروت‌های سرزمین‌های اسلامی را به یغما می‌برند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۴). نفت و دیگر منابع زیرزمینی به عنوان مهمترین مواد اولیه مورد نیاز کشورهای صنعتی، اهمیت ویژه‌ای به کشورهای اسلامی در سیاست و اقتصاد جهانی بخشیده است و رشد اقتصادی و حتی قدرت سیاسی کشورهای صنعتی تا حد زیادی به این منابع وابسته است. منطقی است که کشورهای اسلامی شریک عادلانه‌ای در سود تولید کالاهای صنعتی، که مبتنی بر منابع نفتی آنهاست، باشند؛ با این حال واقعیت خلاف این انتظار است و این منابع نه تنها باعث اعتلاء سیاسی کشورهای اسلامی نشده، بلکه زمینه وابستگی آنها را فراهم کرده است. حضرت امام خود در این رابطه بیان می‌کنند که این ثروت مهم نفت در دست مسلمین و در ممالک اسلامی است و باید کشورهای صنعتی برای دسترسی به آن، ارزش واقعی آن را رعایت کنند، اما آنچه مشاهده می‌شود خلاف این است (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۴). ایشان معتقد بودند که وجود دو عامل جمعیت و ثروت در جهان اسلام، در صورتی که با عمل به اسلام و وحدت سیاسی همراه شود، می‌تواند کشورهای اسلامی را به بزرگترین قدرت جهانی تبدیل کند و بر همین اساس، تشکیل یک دولت بزرگ اسلامی ضروری است؛ دولت واحدی که تحت پرچم «لا اله الا الله» شکل گیرد و بر جهان تسلط پیدا کند (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص ۲۳۴).

۲-۲. نظام بین‌الملل از دیدگاه رهبر شهید

۱-۲-۲. نقش کارگزاران و محیط عملیاتی

در بررسی روابط بین‌الملل در حال حاضر، نقش اصلی را کارگزاران و مدیران نظام بین‌المللی ایفا می‌کنند. امروز بسیاری از گرفتاری‌های ملت‌ها ناشی از فساد دولت‌ها و مدیران است که فساد در ملت‌ها، ریشه ارزش‌ها و اصالت‌ها را از بین می‌برد و ملت‌ها را ذلیل و وابسته می‌کند؛ همچنین زمینه تسلط قدرت‌های شیطانی بر ملت‌ها را فراهم می‌آورد (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۴/۲۰). رهبر شهید تأکید دارند که علت وجود ظلم و

سلطه، انزوای اخلاق انسانی و معنویت است؛ تمدن غربی و زورگویی ابرقدرتها نتیجه دوری از اخلاق و معنویت است (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۸/۲۱). ایشان تصریح می‌کنند که حکومت‌های غیرخدایی باعث فشار و ستم بر ملت‌ها شده و انسان را از فطرت و خواست دل خود دور می‌سازند (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۰۸/۰۹).

۲-۲-۲. نظام بین‌المللی سلطه و استکبار

قدرت در سطح بین‌المللی در دست افراد فاسد و غیرخدایی است و ماهیت نظام بین‌المللی کنونی را می‌توان نظام سلطه جهانی دانست. استکبار، برخلاف تکبر که صفتی قلبی است، جنبه عملی دارد؛ یعنی کسی که خود را بالاتر از دیگران می‌داند، دیگران را حقیر می‌کند، در امور آنها دخالت می‌کند و قدرت خود را ملاک حق قرار می‌دهد (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۰۸/۱۰). ساختار نظام بین‌الملل تحت تأثیر بازی قدرت‌های استکباری است و سلطه بر دنیا دو طرف دارد: سلطه‌گراها (ابرقدرتها) و دولت‌های سلطه‌پذیر که دخالت‌های گستاخانه را می‌پذیرند (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۴/۲۵). استکبار جهانی مجموعه‌ای از قدرت‌هاست که با تکیه بر توانایی‌های سیاسی، نظامی، علمی و اقتصادی خود، ملت‌ها و کشورها را زیر فشار و استثمار قرار می‌دهد، به فرهنگ و سنت آنها اهانت می‌کند و حقوق انسانی را نادیده می‌گیرد (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۸/۱۰). پذیرش نظام سلطه توسط هر دو گروه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر دلیل اصلی بقای این نظام جهانی است (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۶۵/۱۱/۰۹).

۳-۲-۲. ابزارهای سلطه جهانی

قدرت‌های بزرگ برای اعمال سلطه از ابزارها و فنون مختلف استفاده می‌کنند:

۱. تبلیغات: رسانه‌ها و دستگاه‌های تبلیغاتی برای منحرف کردن افکار عمومی و توجیه نظام سلطه فعالیت می‌کنند و مشکلات اصلی بشر را تحت پوشش مسائل درجه دوم قرار می‌دهند (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۱۸). ۲. حقوق بشر: ادعاهای طرفداری از حقوق بشر توسط کشورهای سلطه‌گر و سازمان‌های وابسته، تنها ابزار فریب و توجیه سلطه است

(شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۰۷/۰۴). ۳. علم و فناوری: علم و تکنولوژی به ابزار قدرت و سلطه تبدیل شده و در خدمت منافع استکبار قرار می‌گیرد (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۶۲/۰۶/۰۶). ۴. سازمان‌های بین‌المللی: سازمان‌هایی مانند شورای امنیت و یونسکو تحت فشار قدرت‌های سلطه‌گر عمل می‌کنند و منافع دیگر کشورها را نادیده می‌گیرند (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۵). ۵. کمک‌ها و وام‌ها: کمک‌های بین‌المللی، انگیزه انسانی ندارد و برای تأمین منافع سلطه‌گران و کارتل‌ها ارائه می‌شود (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۶۶/۰۶/۳۱). ۶. مداخله نظامی: قدرت‌های سلطه‌گر با ابزار نظامی و زبان زور اعمال سلطه می‌کنند و تبلیغات غربی نمی‌توانند این سلطه را پنهان کنند (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۰۸/۰۷).

۲-۳. تحول نظام بین الملل

نظام بین‌الملل عرصه‌ای پویا و پیچیده است که در آن دولت‌ها براساس قدرت، منافع و ملاحظات امنیتی خود رفتار می‌کنند. در چارچوب نگاه واقع‌گرایانه، و همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب نیز تأکید کرده‌اند، این نظام همواره به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود: سلطه‌گران، یعنی قدرت‌های بزرگ و تعیین‌کننده قواعد بازی، و سلطه‌پذیران، کشورهایی که زیر بار دخالت‌ها و استثمار سلطه‌گران می‌روند و ناچار به تبعیت می‌شوند. سلطه‌گران با تکیه بر برتری نظامی، اقتصادی و ایدئولوژیک مسیر کلی نظام بین‌الملل را ترسیم می‌کنند، در حالی که سلطه‌پذیران برای بقا یا به دنبال پیوستن و سازش با آنان‌اند یا در مسیر مقاومت و استقلال قرار می‌گیرند. شکل‌گیری این مناسبات در نهایت به ساختار قطبی نظام بین‌الملل بستگی دارد و با تغییر در موازنه قدرت جهانی، صورت‌های متفاوتی به خود می‌گیرد (حسینی‌متین، ۱۳۹۰، صص ۱۰۹-۱۱۱). در دوران جنگ سرد، نظم جهانی به صورت دوقطبی میان آمریکا و شوروی تقسیم شده بود و هر کشور ناچار بود در یکی از این دو بلوک جای گیرد. رقابت‌های گسترده در قالب جنگ‌های نیابتی و مسابقه تسلیحاتی جریان داشت و خاورمیانه یکی از مهمترین عرصه‌های این کشمکش‌ها به‌شمار می‌رفت (حسینی‌متین، ۱۳۹۰، صص ۱۱۱-۱۱۶) با فروپاشی شوروی، ساختار جهانی به تک‌قطبی تغییر یافت و آمریکا به قدرت بلامنازع تبدیل شد. این دوره با

سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه همراه بود؛ از جمله حمله به عراق در سال ۲۰۰۳، خروج از معاهدات بین‌المللی و حمایت گسترده از رژیم صهیونیستی، که به معنای زیر پا گذاشتن حقوق ملت‌ها و بی‌اعتنایی به سازمان‌های بین‌المللی بود. اما همین رفتارها مقاومت‌های گسترده‌ای در سطح جهان برانگیخت و زمینه‌ساز شکل‌گیری جبهه‌های ضدآمریکایی شد (حاجی یوسفی‌پور، ۱۴۰۲، صص ۴-۱۱؛ حسینی‌متین، ۱۳۹۰، صص ۱۱۶-۱۲۱) از اوایل دهه ۲۰۱۰، نظام بین‌الملل به سمت چندقطبی حرکت کرد و قدرت‌های نوظهوری چون چین، روسیه و اتحادیه اروپا نقش پررنگ‌تری یافتند و کشورها توانستند آزادی عمل بیشتری در ائتلاف‌سازی به دست آورند (موسوی شفائی و شاپوری، ۱۳۹۴، صص ۱۴۲-۱۴۷) با این حال، تحولات اخیر نشان می‌دهد که نظم جهانی در حال گذار به مرحله‌ای پسا-آمریکایی است. جنگ‌های فرسایشی آمریکا در عراق و افغانستان و ظهور قدرت‌های نوظهور از یک‌سو هژمونی این کشور را بشدت تضعیف کرده و از سوی دیگر نقش بازیگران غیردولتی و نهادهای فراملی را برجسته‌تر ساخته است. اقدامات یک‌جانبه آمریکا، مانند خروج از برجام و توافق پاریس و همچنین حمایت آشکار از گروه‌های تروریستی و رژیم صهیونیستی، مشروعیت نظم بین‌المللی را بشدت خدشه‌دار کرده و بسیاری از کشورها را به سمت چندجانبه‌گرایی سوق داده است (حاجی یوسفی‌پور، ۱۴۰۲، صص ۴-۱۱؛ موسوی شفائی و شاپوری، ۱۳۹۴، صص ۱۵۴-۱۵۹). در این گذار تاریخی، انقلاب اسلامی ایران جایگاهی ویژه دارد. این انقلاب با شعار «نه شرقی، نه غربی» الگویی نوین از استقلال سیاسی و مقاومت در برابر سلطه ارائه کرد و نشان داد که می‌توان خارج از مدار قدرت‌های سلطه‌گر حرکت کرد. طبیعی بود که این رویکرد برای قدرت‌های بزرگ سنگین باشد؛ از این‌رو، با ابزارهای گوناگون از جنگ تحمیلی و تحریم‌های اقتصادی تا جنگ نرم علیه انقلاب اسلامی اقدام کردند، اما در نهایت نتوانستند آن را مهار یا نابود سازند. ایران با تکیه بر گفتمان دینی و انقلابی، به الگویی الهام‌بخش برای ملت‌ها تبدیل شد و امروز با گسترش نفوذ منطقه‌ای و حضور فعال در نهادهایی چون سازمان شانگهای و بریکس، نقشی تعیین‌کننده در تغییر موازنه قدرت جهانی و ناکام گذاشتن سلطه‌گران در تثبیت یک‌جانبه‌گرایی آمریکا ایفا می‌کند.

۲-۴. اصول روابط بین الملل در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیانگر ساختار فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه بر مبنای اصول و موازین اسلامی است. و به عنوان میثاق ملی، چارچوب کلی نظام حکمرانی را در پرتو تعالیم قرآن و سنت ترسیم می کند. این قانون، ضمن تأکید بر حاکمیت ارزش های الهی و کرامت انسان، روابط داخلی و خارجی کشور را بر مبنای عدالت، استقلال، عزت و نفی هر گونه سلطه پذیری و سلطه گری سامان می دهد. بر همین اساس، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز ریشه در همین مبانی دارد و به عنوان امتداد طبیعی قانون اساسی، اهدافی همچون حفظ استقلال، دفاع از حقوق مستضعفان، حمایت از ملت های مظلوم، گسترش روابط دوستانه با ملت ها و دولت های غیرمستکبر و ایجاد نظم عادلانه بین المللی را دنبال می کند. اصول متعددی از قانون اساسی، به طور مستقیم سیاست خارجی را تبیین کرده و بر نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، حفظ تمامیت ارضی و دفاع از حقوق امت اسلامی تأکید می نمایند. از این رو، مطالعه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بدون رجوع به قانون اساسی تصویری ناقص و سطحی ارائه خواهد کرد؛ چرا که قانون اساسی نه تنها به عنوان سند حقوقی حاکم، بلکه به مثابه بیانیه ای ایدئولوژیک و راهبردی، جهت گیری های کلان نظام را در عرصه بین الملل مشخص می کند و چارچوب نظری و عملی تعامل با سایر کشورها و نهادهای بین المللی را به روشنی ترسیم کرده است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی و روابط بین المللی کشور را بر مبنای استقلال، عدالت، نفی سلطه و حمایت از مظلومان تنظیم کرده است. براساس تصریح قانون اساسی، جمهوری اسلامی هر گونه سلطه گری و سلطه پذیری را مردود می شمارد و بر حفظ استقلال همه جانبه و تمامیت ارضی کشور تأکید دارد (قانون اساسی، اصل: ۲ بند ج؛ اصل ۱۵۲). این استقلال صرفاً محدود به عرصه سیاسی نیست، بلکه ابعاد اقتصادی، فرهنگی و نظامی را نیز شامل می شود. در همین راستا، قانون اساسی بر طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ بیگانگان (قانون اساسی، اصل: ۳ بند ۵) و همچنین بر

خودکفایی اقتصادی و ممنوعیت قراردادهایی که منجر به سلطه بیگانه شود، تأکید دارد (قانون اساسی، اصل: ۴۳؛ اصل ۱۵۳). در حوزه دفاعی، قانون اساسی استقلال کشور را با توان نظامی پیوند می‌زند. تقویت بنیه دفاع ملی و آموزش نظامی عمومی برای دفاع همه‌جانبه تکلیف دولت شناخته شده است (قانون اساسی، اصل: ۳ بند ۱۱؛ اصل: ۱۵۱). پاسداری از استقلال و تمامیت ارضی بر عهده ارتش نهاده شده (قانون اساسی، اصل: ۱۴۳) و هرگونه استقرار پایگاه نظامی خارجی در ایران ممنوع اعلام شده است (قانون اساسی، اصل: ۱۴۶). چنین تدابیری نشان می‌دهد که ایران در عرصه بین‌الملل امنیت خود را نه با تکیه بر قدرت‌های خارجی، بلکه از مسیر توان داخلی و مشارکت عمومی دنبال می‌کند. از سوی دیگر، قانون اساسی ایران سیاست خارجی کشور را فراتر از مرزهای ملی ترسیم می‌کند. جمهوری اسلامی موظف است سیاست کلی خود را بر پایه وحدت امت اسلامی بنا کند و برای تحقق وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام بکوشد (قانون اساسی، اصل: ۱۱). همچنین، حمایت از مبارزات حق‌طلبانه مستضعفان در برابر مستکبران تکلیف جمهوری اسلامی است، هرچند دخالت در امور داخلی کشورها ممنوع اعلام شده است (قانون اساسی، اصل: ۱۵۴). این اصول، نشانگر آرمان‌گرایی ایران در نظام بین‌الملل و جایگاه آن به عنوان مدافع استقلال ملت‌ها و عدالت جهانی است. قانون اساسی هم‌زمان، بر روابط صلح‌آمیز با دولت‌های غیرمحارب تأکید دارد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر روابط صلح‌آمیز متقابل با دولت‌های غیرمحارب معرفی شده است (قانون اساسی، اصل: ۱۵۲) و اعطای پناهندگی سیاسی به افراد واجد شرایط نیز مجاز شمرده می‌شود (قانون اساسی، اصل: ۱۵۵). این رویکرد، نشان‌دهنده ترکیب هم‌زمان آرمان‌گرایی و عمل‌گرایی در سیاست خارجی ایران است.

از منظر حقوق بشری نیز قانون اساسی در روابط بین‌الملل پیام ویژه‌ای دارد. رعایت حقوق انسانی غیرمسلمانان بر دولت و ملت ایران واجب شمرده شده، مشروط بر آنکه علیه اسلام و جمهوری اسلامی توطئه نکنند (قانون اساسی، اصل: ۱۴). این اصل به همراه برابری همه مردم ایران فارغ از قومیت و نژاد (قانون اساسی، اصل: ۱۹) نشان می‌دهد که

جمهوری اسلامی ایران نگاه خود را بر پایه عدالت انسانی و کرامت مشترک بشری بنا نهاده است. در نهایت، قانون اساسی به منظور هماهنگ‌سازی سیاست‌های کلان دفاعی و امنیتی، تشکیل شورای عالی امنیت ملی را پیش‌بینی کرده است که مسئول تعیین سیاست‌های دفاعی-امنیتی و مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی است (قانون اساسی، اصل: ۱۷۶). چنین جایگاهی، روابط خارجی ایران را در پیوند مستقیم با امنیت ملی قرار می‌دهد.

بدین ترتیب، مجموعه اصول قانون اساسی نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل، کشوری استوار بر استقلال و نفی سلطه، پایبند به عدالت انسانی، مدافع امت اسلامی و مستضعفان جهان، و در عین حال خواهان روابط صلح‌آمیز و قانونی با دیگر کشورها است.

۲-۵. اصول روابط بین‌الملل از دیدگاه رهبر شهید

اصول سیاست خارجی از دیدگاه رهبر شهید جایگاهی بنیادین در فهم راهبرد کلان جمهوری اسلامی دارد؛ زیرا ایشان به‌عنوان فقیه جامع‌الشرایط و ولی فقیه، نقش محوری در تبیین و هدایت سیاست‌های کلان کشور ایفا می‌کنند. رهنمودها و اجتهادات فقهی - سیاسی ایشان نه تنها استمرار مبانی انقلاب اسلامی را نشان می‌دهد، بلکه چارچوبی راهبردی برای تصمیم‌گیری در عرصه روابط بین‌الملل فراهم می‌آورد. از این‌رو بازخوانی و تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی بدون لحاظ کردن دیدگاه‌های ایشان، تصویری ناقص از اصول و جهت‌گیری‌های راهبردی نظام ارائه خواهد کرد.

رهبر شهید اصول و مبانی روشن و مستحکمی را برای تعامل جمهوری اسلامی ایران با نظام بین‌الملل ترسیم کرده‌اند که این اصول، چارچوبی برای دیپلماسی فعال و مؤثر کشور فراهم می‌آورند. این اصول، ضمن حفاظت از اهداف انقلابی ایران، زمینه پیشبرد منافع ملی و تحقق آرمان‌های جهانی را نیز مهیا می‌کنند. محور اصلی این گفتمان،

مخالفت قاطع با هر گونه سلطه و چیرگی در عرصه بین‌المللی است (اسدی، ۱۳۹۳، ص ۱۰۷؛ بیانیه گام دوم، ص ۱۲) جمهوری اسلامی ایران نه سلطه‌پذیر است و نه به دنبال سلطه بر دیگران؛ (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۰۸/۰۲). این موضع ریشه در استقلال‌طلبی انقلاب اسلامی دارد و با نظام‌های مبتنی بر «ارباب-رعیتی» بشدت مخالف است. از نگاه رهبر انقلاب، آزادی اجتماعی به معنای «حق تصمیم‌گیری» آن‌گاه تحقق می‌یابد که این آزادی در آزادی ملی، یعنی استقلال کشور تجلی پیدا کند (بیانیه گام دوم، ص ۱۲). رهبر انقلاب تصریح کرده‌اند: «ما روابط ناشی از نظام سلطه در سیاست بین‌المللی را رد می‌کنیم. خودمان هم در هویت و شخصیت جمهوری اسلامی مانع می‌شویم از اینکه وارد نظام سلطه شویم...» (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵). ایشان استقلال و مقابله با زورگویان و مستکبران جهان را از مهمترین دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران می‌دانند (بیانیه گام دوم، ص ۷). رهبر انقلاب همچنین هزینه تسلیم را بسیار فراتر از هزینه مقاومت ترسیم کرده‌اند؛ به باور ایشان، مقاومت مبتنی بر خرد، منطق و اعتماد به نفس به مراتب کم‌هزینه‌تر از سازش است (صلح میرزایی، ۱۳۹۸، ص ۵۱). این سیاست نشان می‌دهد که ایران در عین دفاع از خود در برابر سلطه، در پی گسترش نفوذی که به سلطه بر دیگران منجر شود، نیست و تعاملات بین‌المللی خود را بر احترام متقابل و عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها استوار می‌سازد.

همزمان، رهبر انقلاب بر اعتماد به نفس ملی و پایبندی به اصول انقلابی و دینی در عرصه دیپلماسی تأکید دارند. این رویکرد، نه به معنای انزوا، بلکه بیانگر تعامل قوی و مؤثر مبتنی بر عقلانیت و اعتماد به حقانیت مسیر است (اسدی، ۱۳۹۳، ص ۱۱۵) ایشان خاطر نشان کرده‌اند: «در عرصه دیپلماسی باید با اعتماد به نفس ملی و بدون رودربایستی در پافشاری بر اصول انقلابی و مبانی دینی عمل کرد» (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۲/۰۹) اعتماد به نفس ملی و پایبندی به اصول، ایران را کشوری مستقل و مقاوم در برابر فشارهای خارجی می‌کند و تضمین می‌کند که منافع و ارزش‌های ملی و دینی قربانی مصلحت‌گرایی‌های کوتاه‌مدت نشوند.

یکی دیگر از اصول اساسی، حمایت از مستضعفان و جنبش‌های آزادی‌بخش در برابر مستکبران است. این سیاست ریشه در قانون اساسی دارد و هدف آن مقابله با استثمار و ظلم قدرت‌های بزرگ است (قانون اساسی، اصل: ۱۵۲) ایشان تأکید کرده‌اند: «دفاع از مسلمانان و ملت‌های مظلوم جزو سیاست اصولی ماست و از آن عدول نمی‌کنیم» (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵). این حمایت می‌تواند معنوی و مادی باشد، اما هرگز به معنای دخالت مستقیم نظامی یا براندازی حکومت‌ها نیست، و در چارچوب موازین بین‌المللی و خواست ملت‌ها است.

در عرصه اقتصادی، رهبر انقلاب بر اقتصاد مقاومتی تأکید دارند که این رویکرد سپری در برابر فشارهای اقتصادی و جنگ نرم است و به کشور امکان می‌دهد استقلال اقتصادی خود را حفظ کند و با قدرت بیشتری در عرصه بین‌المللی حاضر شود (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۱/۲۹). در نگاه رهبر شهید، راه سعادت و غلبه بر مشکلات در اتکا به توان داخلی، شناخت ظرفیت‌های ملی و خودباوری ملت ایران نهفته است (قاسمی، ۱۳۹۳، ص ۷). بر همین اساس، اقتصاد مقاومتی نه تنها یک راهبرد اقتصادی، بلکه ابزاری سیاسی و دفاعی است که توان کشور را برای مقاومت در برابر تحریم‌ها و فشارهای خارجی تقویت می‌کند. از این رو در بیانیه گام دوم انقلاب نیز بر ضرورت خودباوری، اتکا به ظرفیت‌های درونی و بازسازی اقتصاد ملی تأکید شده است (بیانیه گام دوم، ص ۱۰). رهبر انقلاب اقتصاد مقاومتی را ابزاری برای تحقق استقلال و آزادی ملت ایران ترسیم کرده‌اند (بیانیه گام دوم، ص ۱۰).

در حوزه روابط بین‌الملل، رهبر انقلاب بر تنوع‌بخشی به روابط و تقویت همکاری با کشورهای غیرغربی و امت واحده اسلامی تأکید دارند. این رویکرد، موجب کاهش وابستگی به یک قطب و ایجاد موازنه در نظام بین‌الملل می‌شود. ایشان بیان کرده‌اند: «کشورهایی که می‌خواهند زیر سلطه نباشند و نخواهند سلطه کنند با هر نژاد و زبانی دوست ما هستند» (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۱/۲۱). بر این اساس، محور دوستی و همکاری نه بر اساس ایدئولوژی خاص یا بلوک‌بندی‌های صرف سیاسی، بلکه بر احترام متقابل، عدم سلطه‌گری و عدم سلطه‌پذیری استوار است. تأکید بر امت واحده اسلامی نیز

ظرفیت همکاری گسترده در جهان اسلام را با حفظ هویت ملی کشورها فراهم می‌آورد (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۵).

تجلی عملی دیدگاه‌های رهبر انقلاب در راهبردهای متنوع دیپلماسی کشور دیده می‌شود. جمهوری اسلامی ایران ضمن دیپلماسی عمومی و فعال برای تبیین مواضع خود، با استفاده از ظرفیت رسانه‌ها، فرهنگ و دستاوردهای انقلاب اسلامی را معرفی کرده و در برابر تبلیغات منفی دشمنان مقابله می‌کند. همچنین با دیپلماسی اقتصادی و گسترش روابط با کشورهای دوست، جذب سرمایه‌گذاری خارجی در چارچوب منافع ملی و تنوع‌بخشی به بازارهای صادراتی و وارداتی، استقلال و توان چانه‌زنی خود را تقویت می‌کند. دیپلماسی فرهنگی نیز با معرفی ارزش‌های دینی و انقلابی و حمایت از جریان‌های فرهنگی مستقل جهان، زمینه مقابله با تهاجم فرهنگی غرب را فراهم می‌آورد. حضور فعال در سازمان‌های بین‌المللی و تلاش برای اصلاح سازوکارهای آنها، ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، تقویت قدرت دفاعی و حمایت از مقاومت ملت‌ها در برابر سلطه و اشغال، دیگر مؤلفه‌های راهبردی ایران در تعامل با نظام بین‌الملل است (اسدی، ۱۳۹۸، صص ۱۲۵-۱۳۲).

در مجموع، اندیشه رهبر شهید در تعامل با نظام بین‌الملل، مبتنی بر استقلال، اصول‌گرایی و دیپلماسی فعال است. هدف نهایی، ایجاد نظم بین‌المللی عادلانه است که منافع ملی، عزت اسلامی و آرمان‌های انقلاب را تأمین کند. این تعامل نه منفعلانه، بلکه یک مبارزه هوشمندانه و دیپلماتیک برای پیشبرد اهداف الهی و انسانی انقلاب است. ایران با اتکا به این اصول، می‌تواند نقش سازنده و مؤثر در شکل‌گیری آینده نظام بین‌الملل ایفا کند؛ جهانی که در آن هر ملت حق تعیین سرنوشت خود را دارد و هیچ قدرتی بر دیگران سلطه نخواهد یافت. این همان آرمان «ما می‌توانیم» است که در عرصه سیاست خارجی معنای واقعی خود را پیدا می‌کند؛ «ما می‌توانیم در نظام بین‌الملل نقشی فعال و تأثیرگذار داشته باشیم، بدون آنکه زیر بار سلطه برویم و یا به دنبال سلطه بر دیگران باشیم».

۲-۶. مطالعه موردی تعاملات بین‌المللی

اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که مبتنی بر قانون اساسی و رهنمودهای شهید آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای است، در تعاملات بین‌المللی خود از طریق نحوه رویارویی با مسائل مختلف نمود یافته است. این اصول در موضوعات مهمی همچون مسئله فلسطین، که نماد رویارویی حق و باطل و تقابل نظام سلطه با محور مقاومت است، تجلی یافته‌اند. همچنین در مسئله هسته‌ای، که حق مشروع، آرمان آزادی و استقلال ملت ایران مطرح است، و در تعاملات اقتصادی بین‌المللی، سیاست خارجی کشور به روشنی شکل و جهت خود را نشان داده است.

۲-۶-۱. فلسطین مسئله اول جهان اسلام

فلسطین و رویارویی با نظام سلطه یکی از اصلی‌ترین مسائل جهان اسلام است. نظام سلطه برای تأمین منافع خود و حفظ نفوذ در منطقه خاورمیانه، پایگاه‌هایی ایجاد کرده است که از طریق آنها بر امور کشورهای منطقه دخالت می‌کند. در این میان، بزرگترین پایگاه و تأمین‌کننده منافع سلطه‌گر، رژیم اشغالگر قدس است. نحوه تعامل کشورهای منطقه، بویژه ایران، با این چالش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از بیانات امام خمینی علیه‌السلام برمی‌آید که مسئله فلسطین را باید به‌عنوان مسئله اول اسلام مورد توجه قرار داد و ایشان بارها بر آن تأکید کرده‌اند. رهبر معظم انقلاب نیز مسئله فلسطین را مسئله اسلامی و مسئله همه مسلمین دانسته و اهتمام به آن را وظیفه همگان برشمرده‌اند (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۱۲/۰۸). صهیونیست‌ها با به راه انداختن جنگ‌های فاجعه‌بار، کشتار مردم و اشغال سرزمین‌های عربی و سازماندهی تروریسم دولتی در منطقه و جهان، ده‌ها سال مردم فلسطین را هدف خشونت و بی‌عدالتی قرار داده‌اند، در حالی که تلاش‌های رسانه‌ای غرب و وابستگان آنها با زیر پا گذاشتن تعهدات اخلاقی، این واقعیت را وارونه نشان می‌دهند. رهبر انقلاب راه‌حل عادلانه برای مسئله فلسطین را برگزاری همه‌پرسی عمومی برای تعیین سرنوشت فلسطینیان معرفی کرده‌اند؛ همه فلسطینیان، اعم از مسلمان، مسیحی و یهود، باید در این همه‌پرسی با نظارت دقیق شرکت کنند و ساختار نظام

سیاسی کشورشان را خود انتخاب نمایند. بازگشت آوارگان فلسطینی و مشارکت آنها در تدوین قانون اساسی و انتخابات، شرط تحقق صلح پایدار است (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۶/۰۹). براساس این منطق، مهمترین رکن حمایت از ملت فلسطین، قطع حمایت از دشمن غاصب است و این وظیفه بزرگ کشورهای اسلامی و بویژه جمهوری اسلامی ایران است. نجات فلسطین نه از طریق سازمان ملل و قدرت‌های مسلط، بلکه تنها از مسیر مقاومت و ایستادگی تحقق می‌یابد. استراتژی کلی مبارزه با رژیم صهیونیستی باید شامل محدود کردن ظرفیت اقتصادی و سیاسی آن، قطع پیوندهای منطقه‌ای و بین‌المللی و تداوم حمایت از مقاومت داخلی ملت فلسطین باشد (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۱۲/۱۴). رهبر معظم انقلاب همچنین نسبت به طرح‌های یک‌جانبه برای ایجاد «خاورمیانه جدید با محوریت اسرائیل» هشدار داده‌اند. این طرح‌ها درصدد هستند که اسرائیل به تدریج بر کشورهای عربی و منابع اقتصادی منطقه، بویژه مناطق نفت‌خیز خلیج فارس، تسلط یابد. مخالفت ایران با چنین طرح‌هایی بخشی از استراتژی حمایت از ملت فلسطین و مقابله با نظام سلطه است (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۱۰/۱۰). به‌طور کلی، جمهوری اسلامی ایران با اتخاذ سیاست مقابله فعال با نظام سلطه در مسئله فلسطین، توانسته است نفوذ رژیم اشغالگر قدس و دولت‌های حامی آن را در بهره‌کشی و دخالت در امور کشورهای منطقه محدود کند و فشار سلطه‌گرانه آنها را کاهش دهد. این رویکرد شامل حمایت از مقاومت فلسطین، مقابله با طرح‌های یک‌جانبه صهیونیستی و تقویت ظرفیت‌های منطقه‌ای برای حفظ امنیت و استقلال ملت‌ها بوده است.

۲-۶-۲. حق مشروع هسته‌ای

حق مشروع هسته‌ای ایران، فراتر از یک موضوع فنی و علمی است و اهمیت آن به دلیل تضمین استقلال علمی، اقتصادی و سیاسی کشور است. این برنامه نشان می‌دهد که ایران قادر است با اتکا به دانش و فناوری داخلی، خودکفا شود و استقلال اقتصادی و سیاسی خود را حفظ کند (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۳۴). رهبری جمهوری اسلامی، پرونده هسته‌ای را مبتنی بر اصول مقاومت در برابر امپریالیسم و دفاع از منافع ملت تعریف کرده‌اند و

تأکید دارند که پیشرفت علمی و فناوری هسته‌ای، نماد عزت و خودباوری ملی است و موجب تقویت جایگاه ایران در جهان اسلام می‌شود (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۲/۰۳).

ایران با توسعه این توانمندی، استقلال خود را در حوزه علم و فناوری تأمین کرده و نشان داده است که پیشرفت علمی بدون وابستگی به قدرت‌های سلطه‌گر ممکن است (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۳۸). از دیدگاه گفتمان جمهوری اسلامی مبتنی بر ضدسلطه، انرژی هسته‌ای موجب قطع وابستگی کشور به بیگانگان و افزایش ظرفیت تصمیم‌گیری مستقل ملی می‌شود (قانون اساسی، اصل: ۱۵۲). رهبر شهید همچنین تأکید دارند که این برنامه هیچ ارتباطی با تولید سلاح هسته‌ای ندارد و هدف آن انسانی و راهبردی است (شهید امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۲/۰۳)، اثبات توانایی علمی ملت ایران و ایجاد جایگاه فعال و اثرگذار برای جمهوری اسلامی در جهان اسلام و نظام بین‌الملل. به این ترتیب، پرونده هسته‌ای ایران نه تنها به پیشرفت علمی و فناوری کشور کمک کرده، بلکه به الگوی مقاومتی و الهام‌بخش برای دیگر ملت‌های اسلامی و کشورهای جهان سوم تبدیل شده است و توانسته است استقلال، خودباوری و عزت ملی ایران را تقویت کند (بابایی، ۱۳۹۴، ص ۳۴).

نظام سلطه با بهره‌گیری از سیاست فشار، نیرنگ و تبلیغات گمراه‌کننده، علیرغم پابندی کامل ایران به تعهدات خود در چارچوب برجام، از این توافق خارج شد و تلاش کرد حق مشروع هسته‌ای ایران را محدود کند (دلخوش، ۱۳۹۶، ص ۵۹). این اقدامات شامل کارشکنی در مسیر مذاکرات، اعمال تحریم‌های اقتصادی و ایجاد فضای تهدید و فشار برای جلوگیری از پیشرفت علمی کشور بود (میرچراغ خوانی، ۱۳۹۵، ص ۴۳). همچنین رژیم صهیونیستی با اقدامات خشونت‌آمیز مانند شهادت دانشمندان هسته‌ای و مداخلات نظامی، از جمله جنگ ۱۲ روزه، سعی کرده است مسیر دستیابی ایران به این حق مشروع را مسدود کند. این رویکردها نشان‌دهنده تلاش مشترک آمریکا و اسرائیل برای مهار استقلال علمی و فناوری ایران و جلوگیری از تحقق حق هسته‌ای مشروع ملت است. با این حال، تلاش‌های آمریکا و اسرائیل برای محدود کردن حق هسته‌ای ایران به نتیجه نرسیده است. ملت ایران با اتکا به خودباوری، مقاومت و پشتکار علمی، محکم‌تر از گذشته بر حقوق و خواسته‌های مشروع خود ایستادگی می‌کند و مسیر پیشرفت علمی و

فناوری هسته‌ای را با قدرت ادامه می‌دهد. این پایداری نشان‌دهنده اراده ملی برای حفظ استقلال، عزت و امنیت کشور و نیز الگویی برای دیگر ملت‌های مقاوم در برابر فشارهای سلطه‌گرانه است.

۲-۶-۳. تعاملات اقتصادی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر پایه نفی هرگونه سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی استوار است و حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور را محور اصلی خود می‌داند (قانون اساسی، اصل: ۱۵۲) بر این اساس، هرگونه قرارداد یا توافقی که منجر به سلطه بیگانه بر منابع طبیعی، اقتصادی، فرهنگی، نیروهای مسلح یا سایر شئون کشور شود، ممنوع است؛ بنابراین، سیاست‌های اقتصادی و تعاملات بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای طراحی می‌شوند که ظرفیت‌های داخلی برای مقابله با نظام سلطه تقویت شده، اتکا بر خود و خودکفایی اقتصادی افزایش یابد، وابستگی‌ها به منابع و قدرت‌های خارجی کاهش یافته و استقلال اقتصادی همه‌جانبه تأمین شود. همچنین، اصول سلطه‌ستیزی و عدم سلطه‌پذیری اقتصادی رعایت شده و تعاملات اقتصادی و همکاری‌ها با دیگر کشورها در چارچوب همگرایی ضد نظام سلطه شکل می‌گیرد. تعاملات اقتصادی ایران با جهان بر پایه ظرفیت‌های داخلی، منابع طبیعی، موقعیت ژئوپولیتیک و ملاحظات سیاست خارجی شکل گرفته است. ایران با برخورداری از منابع غنی انرژی، معادن متعدد، صنایع متنوع و جمعیت قابل توجه، نقش مهمی در تجارت منطقه‌ای و جهانی ایفا می‌کند، اما تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی، بویژه از سوی آمریکا و متحدانش، سطح تعاملات اقتصادی کشور را محدود کرده و دسترسی به بازارهای جهانی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را دشوار ساخته است. با وجود این محدودیت‌ها، ایران با بهره‌گیری از ظرفیت‌های داخلی و سیاست‌های چندجانبه تلاش کرده است تعاملات اقتصادی خود را توسعه دهد (ترکی و مظاهری، ۱۴۰۱، ۱۷۵). از جمله راهبردهای کلیدی ایران می‌توان به توسعه تجارت با کشورهای همسایه و منطقه‌ای، گسترش همکاری‌های انرژی، صنعتی و کشاورزی، و ایجاد مسیرهای ترانزیتی و بندری

مانند توسعه بندر چابهار برای دسترسی به اقیانوس هند و بازارهای آسیای میانه اشاره کرد. ایران همچنین عضویت فعال در پیمان‌ها و سازمان‌هایی مانند سازمان همکاری اقتصادی (OCE)، گروه بریکس (SCIRB) و سازمان همکاری شانگهای (OCS) را دنبال کرده و از ظرفیت‌های این نهادها برای ارتقای جایگاه اقتصادی و تسهیل تجارت استفاده می‌کند. افزون بر این، ایران به منظور کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و تقویت اقتصاد مقاومتی، تمرکز ویژه‌ای بر توسعه صادرات غیرنفتی، از جمله محصولات پتروشیمی، فولاد، مواد معدنی، صنایع غذایی و کشاورزی دارد و در کنار آن سرمایه‌گذاری گسترده‌ای در زیرساخت‌ها و صنایع استراتژیک مانند انرژی، فناوری اطلاعات و حمل‌ونقل انجام داده است (کریمی‌والا، ۱۴۰۴، ص ۶۹۳). ایران همچنین به ایجاد شبکه‌های مالی و بانکی جایگزین برای مقابله با محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها پرداخته است، از جمله استفاده از روش‌های پرداخت تهاتری، همکاری با بانک‌های کشورهای دوست و توسعه کانال‌های مالی غیرمتکی به سیستم‌های بین‌المللی تحت سلطه آمریکا. این اقدامات باعث شده است تا کشور بتواند ضمن حفظ استقلال اقتصادی، جایگاه خود را در تجارت منطقه‌ای و جهانی تقویت کند و از اثرات فشارهای خارجی بکاهد. به این ترتیب، تعاملات اقتصادی ایران با جهان نمایانگر تلاش پیوسته برای تحقق توسعه پایدار، افزایش توان رقابت اقتصادی، تقویت استقلال ملی و خودباوری، و مقابله با سلطه‌جویی‌های بین‌المللی است. این رویکرد ایران را به الگویی برای سایر کشورهای تبدیلی کرده است که می‌خواهند بدون وابستگی به قدرت‌های جهانی، از ظرفیت‌های داخلی خود برای توسعه اقتصادی و افزایش نفوذ منطقه‌ای بهره ببرند.

۳. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین نسبت میان «فقه سیاسی شیعه» و «نظام بین‌الملل» نشان داد که تعامل با قدرت‌های جهانی در اندیشه اسلامی، نه یک سازش منفعلانه و نه یک انزوای مطلق، بلکه برآمده از یک «الگوی عقلانیت انقلابی» است. یافته‌های این تحقیق

گویای آن است که فقه سیاسی امامیه با بازتعریف مفهوم «حاکم جور» در قالب «نظام سلطه» و «استکبار جهانی»، توانسته است چارچوبی پویا برای کنشگری دیپلماتیک فراهم آورد.

در مقام جمع‌بندی، نتایج تحقیق در چهار محور کلیدی ارائه می‌شود:

۱. **تحول از سیره به ساختار:** این مطالعه نشان داد که منطق تعامل با حاکمان جور که در سیره معصومان علیهم‌السلام به صورت رفتارهای فردی و موردی تجلی داشت، در اندیشه امام خمینی ره و رهبر شهید به یک «منطق حکمرانی» و «نظریه سیاست خارجی» تبدیل شده است. در این الگو، نظام بین‌الملل نه به عنوان یک واقعیت مفروض و پذیرفته شده، بلکه به عنوان عرصه‌ای برای تحول و اصلاح نگریسته می‌شود.

۲. **توازن آرمان و واقعیت (عقلانیت انقلابی):** یافته‌های پژوهش ثابت کرد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای دو رکن «مبانی تکلیفی» (نفی سیل و عزت اسلامی) و «ضوابط مصلحت‌محور» (عناوین ثانویه و ضرورت‌های زمانه) استوار است. این توازن ساختاری که در قانون اساسی نیز متبلور شده، به دولت اسلامی اجازه می‌دهد تا در عین حفظ ماهیت استکبارستیزی، به تعاملات هوشمندانه با جهان بپردازد.

۳. **تجلی فقه در پرونده‌های راهبردی:** مطالعه موردی «آرمان فلسطین» و «حق هسته‌ای» نشان داد که چگونه فقه سیاسی از ساحت نظریه به ساحت عمل وارد می‌شود. مسئله فلسطین به عنوان «شاخص مشروعیت‌سنجی» در سیاست خارجی و پرونده هسته‌ای به عنوان نماد «صیانت از عزت و حقوق ملی»، نشان‌دهنده کاربست دقیق قواعد فقهی نظیر «قاعده نفی سیل» و «مصلحت عالی‌جامعه اسلامی» در پیچیده‌ترین معادلات بین‌المللی است.

۴. **ارائه الگوی تعامل مقاومت‌محور:** نتیجه نهایی پژوهش گویای ظهور یک «الگوی سوم» در روابط بین‌الملل است. این الگو که از آن به «تعامل مقاومت‌محور» یاد می‌شود، تبیین می‌کند که می‌توان در درون ساختارهای نظام

بین الملل حضور داشت و به قواعد دیپلماتیک پایبند بود، اما همزمان ساختارهای غیرعادلانه آن را به چالش کشید و از استحاله در نظم سلطه جلوگیری کرد. به طور خلاصه، فقه سیاسی شیعه در پرتو اندیشه امامین انقلاب، با تفکیک میان «پذیرش ساختار سلطه» و «تعامل برای تغییر آن»، راهبردی را پیش روی جمهوری اسلامی ایران قرار داده است که در آن، دیپلماسی ابزاری راهبردی برای صیانت از کیان اسلام و زمینه سازی برای تحقق نظم عادلانه جهانی به شمار می رود.

منابع

- اسدی، ناصر. (۱۳۹۳). تحلیل گفتمانی سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای: گفتمان تعامل‌گرایی ضد نظام سلطه. پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۵(۲)، صص ۱۰۷-۱۳۲.
- بابایی، مجتبی. (۱۳۹۴). استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر حق غنی‌سازی ایران. حقوقی دادگستری، ۷۹(۹۲)، صص ۳۳-۵۲.
- بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). لینک: <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>
- ترکی، لیلا؛ مظاهری، باران. (۱۴۰۱). تأثیرات اقتصادی تحریم‌های مالی بر اقتصاد ایران. پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، ۲۲(۴)، صص ۶۹-۹۸.
- حاجی یوسفی‌پور، محمود. (۱۴۰۲). یکجانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا و پیامدهای آن بر نظام حقوق بین‌الملل. مطالعات نوین حقوق و محیط زیست، ۱۱(۱)، صص ۱۹-۳۲.
- حسین‌پور، سیدمحمد مهدی؛ فارسی‌مدان، علی. (۱۴۰۴). روش‌های تقابل میان ائمه علیهم‌السلام و حاکمان جائز. پژوهش نامه امامیه. ۱۰(۱۹)، صص ۲۴۸-۲۷۸.
- حسینی‌متین، سیدمهدی. (۱۳۹۰). ساختار نظام بین‌الملل تک‌قطبی و تأثیر آن بر سیاست خارجی. پژوهش‌های سیاسی، ۴۱(۲)، صص ۱۰۷-۱۲۳.
- خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (۱۴۲۰ق). أجوبه الإستفتاءات (العریبه). بیروت: الدار الإسلامیه.
- خامنه‌ای شهید، سیدعلی. (بی‌تا). بیانات. دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای. بازیابی شده از: <https://farsi.khamenei.ir/speech>
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۳). البیع. قم: اسماعیلیان.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸). صحیفه امام خمینی. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۵). المکاسب المحرمه (چاپ دوم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله.

خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۹). صحیفه امام خمینی علیه السلام (چاپ پنجم). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.

دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای. (بیتا). بیانات. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای. بازیابی شده از: <https://farsi.khamenei.ir/speech>

دلخوش، علیرضا. (۱۳۹۶). برجام و پسا برجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل. سیاست خارجی. ۱۳۱(۱)، صص ۵۱-۷۳.

دهشیری، محمدرضا. (۱۳۷۹). درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی علیه السلام. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال. (۱۳۸۶). گفتمان اصولگرایی عدالت‌محور در سیاست خارجی دولت احمدی‌نژاد. دانش سیاسی، (۵)، صص ۸۶-۱۰۲.

سام دلیری، کاظم؛ علی اصغری، محمدآقبال؛ طالبی، علی نقی؛ دارا، محمدرضا؛ صفری، رضا. (۱۴۰۲)، تحلیل رویکردهای آمریکا در چهاردهم مقابله و چالش با جمهوری اسلامی ایران، امنیت ملی، ۱۳(۴۸)، صص ۳۲ - ۶۵.

سیمبر، رضا. (۱۴۰۲). تحلیل کارکردهای مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دانش سیاسی، دوره ۱۹، ویژه‌نامه اول، صص ۸۹ - ۱۰۶.

شجاعی، هادی. (۱۳۸۹). اهداف و راهبردهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. نشریه معرفت، ۱۹(۱۵۳)، صص ۲۳ - ۴۰.

صلح میرزایی، سعید. (۱۳۹۸). اندیشه مقاومت از منظر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. تهران انتشارات انقلاب اسلامی.

فارسی‌مدان، علی. (۱۴۰۳). الگوی فقهی-سیاسی تعامل با حاکمان جور؛ از مبانی تکلیفی تا ضوابط مصلحت‌محور. فقه و سیاست. ۶(۲)، صص ۱۸۹-۲۱۷.

فارسی‌مدان، علی. (۱۴۰۳). بازشناخت فقهی تعامل اصحاب ائمه با حاکمان جائر. پژوهشنامه امامیه. ۱۰(۱۹)، صص ۱۴۵-۱۸۰.

- قاسمی، علی؛ قاسمی، ظهیر. (۱۳۹۳). دغدغه رهبری تکیه بر توان ملی و استعداد های بومی. روزنامه کیهان ۲۵ مرداد شماره ۲۰۸۴۶.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۴). تهیه و تنظیم: منصور، جهانگیر. تهران: انتشارات دوران.
- کریمی والا، ساناز؛ هان، ژیانوی. (۱۴۰۴). روابط ایران و چین تحت تحریم های غرب: مرور کلی. مطالعات کشورها، ۳(۴)، صص ۶۹۳-۶۹۹.
- ملک زاده، محمد. (۱۳۹۲). سیره سیاسی معصومان^۸ در عصر حاکمان جور. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- موسوی شفائی، مسعود؛ شاپوری، مهدی. (۱۳۹۴). آمریکا و نظام بین الملل: از نظم تک قطبی تا نظم فراقطبی. مطالعات راهبردی، ۱۸(۶۸)، صص ۱۳۹-۱۶۵.
- میر چراغ خوانی، علیرضا. (۱۳۹۶). جنایت های دولت های آمریکا علیه ملت ایران و انقلاب اسلامی. پیام. شماره ۱۲۰. صص ۴۳-۶۳.
- یوسفی، جعفر. (۱۴۰۲). بررسی فقهی جواز همکاری با حکومت های جور در موارد وجود مصلحت. مطالعات فقه امامیه، ۱۱(۲۰). صص ۷-۳۲.